Quarterly Journal of Linguistics & Khorasan Dialects, Vol. 15. No.3 /Serial Number.32 (Fall 2023)

DOI: https://doi.org/10.22067/jlkd.2023.81602.1157

Applying van Dijk's Discourse Analysis on the Identity of Women in Four Selected Persian Novels (*Soovashoon, I will turn off the lights, Year of riot, Ahu Khanum's husband*)

Sajjad Bagheri[1]

PhD Candidate in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
(Corresponding author)

ORCID: 0000-0002-4557-8274

Ali Alizadeh[2]

Associate Professor in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

ORCID: 0000-0002-5941-457X

Received: March 13, 2023 **Accepted: August 8, 2023**

Abstract

The identity of women and the issues related to them are currently important all over the world, but due to some traditions that govern the societies, this part of the society has always been considered the second class. This way of looking at women's identity has also appeared in fiction. Since the discourse analysis emphasizes the principle that the way of creating each discourse is rooted in the viewpoint and opinion of the creator of that discourse and the social conditions and beliefs of that period, considering the principles of Van Dijk's ideological square, the threefold function of discourse, as well as the discourse strategies used by the authors, the novels were analyzed at semantic, description, style, and reasoning levels. This descriptive-analytical study was done on four famous Persian novels: *Soovashoon* by Daneshvar, *I will turn off the lights* by Pirzad, *Year of riot* by Maroufi, and *Ahu Khanum's husband* by Afghan. Using the principles and common concepts of Van Dijk's discourse analysis, and also through the examination of dialogues, presuppositions, description, interpretation, arguments and other discourse concepts, the formation of the identity of women in different social classes, taking the role of mother and wife, and their efforts to prove their identity were explored. As a result, three factors, including social behavior,

1. Email: sajjad.bagheri@mail.um.ac.ir
2. Email: alalizadeh@um.ac.ir

educational behavior, and awareness were pinpointed as the main factors of representing women's identity that allow it flourish.

Keywords: Van Dijk's Discourse Analysis, Persian Novel, Identity of Women, Social Behavior, Educational Behavior

DOI: https://doi.org/10.22067/jlkd.2023.81602.1157

مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان، شمارهٔ ۳۲، پاییز ۱۴۰۲
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل گفتمان ون‌دایکی هویت زنان در چهار رمان منتخب فارسی (سووشون، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، سال بلوا، شوهر آهو خانم)

سجاد باقری، دانشجوی دکتری زبانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) [1]

ORCID: 0000-0002-4557-8274

علی علیزاده، دانشیار زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران [2]

ORCID: 0000-0002-5941-457X

صص ۹۱-۱۱۹

چکیده

هویت زنان و مسائل پیرامون آن‌ها از موضوعات مهم این روزهای جامعه جهانی است؛ اما این بخش از جامعه به علت برخی سنت‌ها و عادات حاکم بر جوامع و نگاه خاص به آن‌ها، همیشه جنس دوم تلقی شده‌اند. این شیوهٔ نگرش به هویت زن در ادبیات داستانی نیز نمود پیداکرده است. تحلیل گفتمان بر این اصل تأکید دارد که نحوه خلق هر گفتمان ریشه در دیدگاه خالق آن گفتمان و شرایط اجتماعی حاکم بر دوره خلق آن گفتمان دارد. در این تحقیق اصول مربع ایدئولوژیک ون‌دایک، کارکرد سه‌گانه گفتمان و همچنین استراتژی‌های گفتمانی به‌کاررفته توسط نویسندگان بررسی شده و رمان‌ها در سطوح معنا، توصیف، سبک و استدلال تحلیل‌شده‌اند. این تحقیق بر روی چهار رمان مشهور فارسی انجام‌شده است. رمان‌های «سووشون» اثر سیمین دانشور، «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» اثر زویا پیرزاد، «سال بلوا» اثر عباس معروفی، «شوهر آهو خانم» اثر علی‌محمد افغانی. این تحقیق از نوع کیفی است و به روش توصیفی-تحلیلی انجام‌شده است. علاوه بر آشکار کردن تفاوت بازنمایی هویت زن در آثار نویسندگان زن با نویسندگان مرد، نشان می‌دهیم که چگونه شرایط حاکم بر جامعه، افکار عمومی، اخلاق اجتماعی و حتی اصول تربیتی در خانواده‌ها می‌تواند بر شکل‌گیری هویت مستقل زن و کمرنگ شدن روابط ناعادلانه میان زن و مرد و حتی تغییر آن کمک کند. طی این مقاله استراتژی‌ها را در خدمت سه عامل اصلی، شامل رفتار اجتماعی، رفتار تربیتی و آگاه شدن و آگاهی بخشیدن می‌بینیم که هویت مستقل زن را آشکار، شکوفا و سپس به جامعه اثبات می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان ون‌دایکی، رمان فارسی، هویت زن، رفتار اجتماعی، رفتار تربیتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

پست الکترونیکی: 1. sajjad.bagheri@mail.um.ac.ir 2. alalizadeh@um.ac.ir

۱. مقدمه

زبان اصلی‌ترین ابزار برای نشان دادن اوضاع، عقاید، هنجارها و رفتارها در جامعه و بیانگر نگرش انسان نسبت به پیرامون اوست. در همین راستا نویسندگان می‌کوشند مسائل و نگرانی‌های جوامع را در هر دوره در قالب نوشته‌های خود، مانند رمان، بازتاب دهند. مشارکت زنان در حوزه‌های گوناگون و همچنین حضور و فعالیت آن‌ها در مسئولیت‌های مختلف سبب شده زنان حضور مؤثری نیز در عرصهٔ نویسندگی داشته باشند. این حضور سبب پررنگ‌تر شدن هویت زن به‌عنوان شخصیت‌های اصلی در رمان‌ها و تصویرگری هویت زنان، جایگاه و وظایف آن‌ها در جامعه شد؛ ازاین‌رو نوشتن پیرامون زنان در ادبیات داستانی معاصر پررنگ‌تر شده است.

از سوی دیگر، در تحلیل گفتمان، نوشتن پیرامون هویت زن، چه در آثار نویسندگان زن و چه در آثار نویسندگان مرد برمی‌گردد به عقیده و باوری که نویسنده و جامعه نسبت به زن دارند و نمی‌شود که این نگاه جامعه بر افراد تأثیرگذار نباشد؛ بنابراین، این رمان‌ها در تصویرگری هویت، شرایط و موقعیت زنان و همچنین در شناخت تحولات به وجود آمده در زندگی زنان در دوران معاصر نقش مهمی دارند.

بر این اساس، هدف و ضرورت این تحقیق شناساندن هویت زنان در رمان‌ها، از منظر تحلیل گفتمان ون‌دایکی است. این چهار رمان به دلیل قدرت داستان‌نویسی نویسندگان و محوریت هویت زن در اکثر آثار آن‌ها و معرفی رمان‌ها به‌عنوان رمان پرمخاطب سال و جلب تحسین و استقبال منتقدین و خوانندگان انتخاب‌شده‌اند. همچنین، به علت نگاه بی‌طرفانه و متعادل به هویت زن در رمان‌ها، ازنظر تعداد، دو نویسنده زن و دو نویسنده مرد انتخاب‌شده است. با بررسی چهار رمان مشهور فارسی شامل رمان‌های «سووشون» اثر سیمین دانشور، «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» اثر زویا پیرزاد، «شوهر آهو خانم» از علی‌محمد افغانی و «سال بلوا» اثر عباس معروفی به دنبال پاسخی منطقی، بی‌طرفانه و دور از تبعیض‌های جنسیتی برای این پرسش هستیم که هویت زنان در رمان‌ها چگونه بازنمایی شده و چه عواملی منجر به شکل‌گیری این هویت شده است؟

۲. پیشینه تحقیق

شماری از پژوهش‌ها محتوای آثار داستانی را موردمطالعه قرار داده‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: خسرونژاد (۱۳۸۸) بیست داستان کوتاه انگلیسی و بیست داستان کوتاه فارسی را در پایان‌نامه خود بررسی کرده که درمجموع بیست داستان با نویسنده مرد و بیست داستان با نویسنده زن در بین آن‌ها وجود داشت. او این داستان‌ها را

ازنظر کاربرد تابوها و رنگ‌واژه‌ها بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که نویسندگان زن، چه انگلیسی و چه فارسی، بیشتر از مردان از رنگ‌واژه‌ها استفاده می‌کنند. فاندربرک (۲۰۱۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «تئوری گروه خاموش در رمان گتسبی بزرگ»، به تحلیل رتوریک و کدگذاری رمان «گتسبی بزرگ» اثر فیتزجرالد پرداخته و پنج متن منتخب از گفت‌وگوهای برجسته میان نقش‌های مرد و زن اصلی رمان را بر اساس ایدئولوژی مسلط و سلطه‌گر بررسی کرده است. نتایج این تحقیق آشکار کرد که بعضی از گروه‌ها به دلیل جنسیت، موقعیت اجتماعی یا اعتقادات مذهبی خود خاموش و منفعل بودند. مک ناگتن (۲۰۱۲) روایت زنان خانه‌دار را در وبلاگ‌ها و صفحات مجازی آن‌ها مطالعه کرده و نتیجه می‌گیرد که مطالب آن‌ها شامل سه مضمون «خود اعتباری، حس گناه و برچسب ننگ اجتماعی» می‌شود. بر اساس این تحقیق، زنان خانه‌دار احساس می‌کنند که در جامعه بدنام هستند و با حس گناه نسبت به ماندن در خانه مواجه‌اند، اما سعی می‌کنند به تصمیم خود اعتبار بخشند. آزما (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی محتوای موضوعی کتاب‌های داستانی نویسندگان زن ایرانی پرداخته و سبک نویسندگی زنانه و انتقال بهتر حس زنانگی به مخاطب توسط نویسندگان زن را به نمایش گذاشته است. محمدی (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود، درون‌مایه و زاویه دید داستان‌هایی با نویسندگان زن را موردبررسی قرار داده و نهایتاً فرهنگ توصیفی-تحلیلی داستان‌های زن محور از آثار زنان نویسنده با معرفی عناصر مهم داستانی و بسامد آن‌ها را معرفی کرده است. زانوسی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، رمان‌های برگزیده از آثار نویسندگان زن در دهه هشتاد را ازلحاظ عنوان، زاویه دید، لحن، نمادها و همچنین تحلیل درون‌مایه آن‌ها بررسی کرده و دیدگاهی کلی از شیوه داستان‌نویسی زنان در آن دوران را آشکار می‌کند. محمدی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با بررسی بیست داستان کوتاه از نویسندگان زن، درون‌مایه و مضامینی چون بازتاب عشق، کمبود محبت و فرزند آوری را بررسی می‌کند.

برخی تحقیقات نیز فقط بر روی آثار صادق هدایت انجام‌شده‌اند؛ مانند رستگار فلاح (۱۳۰۱) در مقاله «زن در آثار هدایت» که سیه‌روزی و ناکامی زنان را بررسی کرده و دید انتقادی هدایت نسبت به اوضاع جامعه را دلیل شیوه بازنمایی نقش‌های رمان او می‌داند. همچنین میلانی در مجله ایران نامه (۱۳۹۵) در مقاله «رؤیایی از گذشته با زن رؤیایی در آثار هدایت» به تقابل چهره‌های زن در آثار هدایت، مخصوصاً در بوف کور می‌پردازد. کاتوزیان در مقاله «زن در آثار هدایت» با بررسی زنانی که در آثار هدایت، در موقعیت یک رابطه جنسی قرار می‌گیرند، خود صادق هدایت را درزمینه ناتوانی جنسی به چالش می‌کشد.

شماری از تحقیقات نیز صرفاً در قالب کتاب‌شناسی و بدون تحلیل ارائه‌شده‌اند مانند: کتاب «منبع شناسی زنان»

اثر نجم عراقی و همکاران (۱۳۸۲)، کتاب «مجموعه تحقیقات علوم انسانی در حوزه مسائل زنان» از رام پناهی و همکاران (۱۳۸۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «رویکرد انتقادی به کاربرد نقد زن محور در پژوهش‌های ادبی» از باقری و میرزائیان (۱۳۹۴) که به بررسی سیمای کلی زن در آثار ادبی پرداخته و پژوهش‌هایی چندان منطبق بر نظریات نقد ادبی نبوده‌اند.

تحقیقات انجام‌شده پیرامون زن در ادبیات داستانی، روندی رو به افزایش داشته و به‌طورکلی نگاه و نگرشی نسبت به زن دارند که حکایت از نوعی تضاد نگرشی و قطبی نگری به مقوله جنسیت دارد؛ اما اولین نکته منحصربه‌فرد در این تحقیق، نگرش متعادل به زن از منظر اجتماعی-شناختی است که دیدگاهی ارزشمند در کشف هویت زن و همچنین تأثیرگذاری آنان در اجتماع است.

نکته دوم متمایزکننده این تحقیق این است که در تمام تحقیق‌های صورت گرفته پیرامون زنان در ادبیات داستانی و حتی سایر حوزه‌ها، همواره زن با مرد مقایسه شده و نگاهی صرفاً مردانه و یا صرفاً زنانه به شخصیت‌ها داشته‌اند؛ اما طی این تحقیق سعی شده تا نگاهی بی‌طرفانه به تحلیل آثار نویسندگان مرد و زن و شیوه بازنمایی هویت زن در آن آثار پرداخته شود که نگاهی تازه به هویت زن است.

همچنین نکته سوم و قابل‌توجه اینکه تمام مقالات و تحقیقات انجام‌شده در مورد زنان به «شخصیت و شخصیت‌پردازی زن» پرداخته‌اند، اما طی این تحقیق تلاش و توجه بر «هویت زن» است. به‌عبارت‌دیگر، این تحقیق با نگرشی جدید و متفاوت، هویت زن در رمان‌ها را با توجه به بافت، موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تحلیل می‌کند که جامع است. برای روشن کردن تفاوت هویت و شخصیت به تعریف و تبیین این دو می‌پردازیم.

برای واژهٔ «شخصیت[1]» تعریف‌های مختلفی ارائه‌شده. برای مثال «ریچلاک[2]»، روانشناس که موضع نظری جدیدی به نام «انسان‌گرایی دقیق[3]» را ایجاد کرده، در کتاب «مقدمه‌ای بر شخصیت و روان‌درمانی: رویکرد ساخت نظریه[4]» برای تعریف شخصیت چنین می‌گوید: «دغدغهٔ ما در شخصیت شناسی این است که سبک‌های مختلف رفتار را که ارگانیسم‌های مختلف [ازجمله انسان] برحسب عادت از خود بروز می‌دهند، مطالعه کنیم (ریچلاک، ۱۹۸۱: ۷۳۱-۷۴۹)». از طرفی «آلیس[5]»، از نظریه‌پردازان اصلی رویکرد شناختی در علم روان‌شناسی، در کتاب

1. personality
2. Rychlak
3. Rigorous Humanism
4. Introduction to Personality and Psychotherapy: A Theory-Construction Approach
5. Ellis

«نظریات شخصیت: چشم‌اندازهای انتقادی[1]» در مورد شخصیت می‌گوید: «شخصیت یعنی مجموعه دریافت‌ها، هیجان‌ها، ذهنیت‌ها، انگیزه‌ها و اقدام‌های یک فرد در تعامل با شرایط محیطی مختلف. شخصیت شامل رفتارها، سبک، فکرها، شیوهٔ حرف زدن، درک محیط و تعامل‌های بین فردی است که پیوسته [بر اساس یک الگوی قابل‌تشخیص] در یک فرد مشاهده می‌شود (آلیس، ۲۰۰۸: ۱۰۸-۱۰۲)». همچنین در کتاب «نظریات شخصیت[2]» به نظریهٔ «اسکینر[3]»، از دانشمندان بزرگ روان‌شناسی رفتارگرا[4]، اشاره‌شده که در مورد شخصیت می‌گوید: «شخصیت یک مفهوم غیرضروری است و اصلاً به تعریف چنین واژه‌ای نیاز نبوده و نیست (انگلر، ۲۰۱۳: ۲۰-۲۵)». پس درنهایت به این تعریف می‌رسیم که شخصیت به الگوهای نسبتاً ثابت در صفات و رفتار هر فرد گفته می‌شود و نشان می‌دهد که رفتار فرد در شرایط مختلف چگونه است. به‌طور خلاصه «شخصیت فرد» یعنی خود فرد با تمام ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی که ذاتاً دارد و بروز می‌دهد.

اما در مقابل با واژهٔ «هویت[5]» روبرو هستیم. فرهنگ فارسی معین (۱۳۵۰) هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «هستی، وجود، آنچه موجب شناسایی شخص باشد، شناسنامه.» هویت مقوله‌ای اجتماعی است و به مجموعهٔ نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات یک فرد که در جامعه شکل می‌گیرد و او را از دیگران متمایز می‌کند گفته می‌شود. همچنین ازلحاظ علمی هویت دارای انواع، سطوح و سلسله‌مراتب مختلفی مانند هویت فردی (شخصی)، هویت ملی، هویت دینی، هویت خانوادگی، هویت اجتماعی، هویت جنسیتی، هویت فرهنگی و هویت تمدنی می‌شود که این، یعنی هویت انسان تحت تأثیر این سطوح مختلف تعریف و تبیین می‌شود. همچنین ازنظر علمی هویت انسان از پنج مؤلفه پیروی می‌کند، یا به زبان دیگر، بر پایهٔ پنج مؤلفه تأثیرگذار، شکل می‌گیرد که این پنج مؤلفه شامل: ۱. عوامل جغرافیایی و اقلیمی، ۲. عوامل سیاسی و تاریخی، ۳. عوامل اقتصادی و معیشتی، ۴. عوامل فرهنگی و ۵. مؤلفه‌های تربیتی (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۶: ۴۲-۳۷). درنتیجه «هویت فرد» یعنی شخصیت فرد به‌اضافه تمام عواملی که باعث شکل‌گیری، جهت‌دهی و واکنش فرد می‌شود.

پس درنهایت، در این تحقیق به این اصول می‌پردازیم که اولاً نویسنده‌ها بر اساس حقایق جامعه خود چه هویتی برای زن تعریف و چگونه آن را بازنمایی کرده‌اند. دوم اینکه پیرامون آن زن و حتی درگذشته او، چه شرایطی حاکم بوده

---

1. Personality Theories: Critical Perspectives
2. Personality Theories
3. Skinner
4. Behavioral Psychology
5. identity

و هست که منجر به شکل‌گیری، جهت‌دهی و واکنش او شده و او را در چه مسیری قرار می‌دهد، که مجموعه این بررسی‌ها مستقیماً به تعریف «هویت» اشاره می‌کند. در این تحقیق طبق تعریفی که از «هویت» بیان‌شده، سه محور بررسی و تحلیل هویتی وجود دارد که شامل: شکل‌گیری هویت زن، جهت‌دهی افکار و رفتار او و نهایتاً واکنش‌های زن می‌شود.

۳. چارچوب نظری

ون‌دایک با پیوند میان سه مفهوم اجتماع، شناخت و گفتمان، مثلثی شکل می‌دهد که مبنای رویکرد اجتماعی شناختی او قرار گرفت (ون‌دایک، ۱۹۹۸: ۱۳۲-۱۲۹). ازنظر ون‌دایک، تحلیل گفتمان سه سطح کارکرد اجتماعی[1]، کارکرد شناختی[2] و کارکرد گفتمانی[3] دارد که بعد اجتماعی پررنگی دارند؛ بنابراین، در این پژوهش از «روش تحلیل گفتمان ون‌دایکی[4]» استفاده می‌شود.

ون‌دایک بحث‌های نظری و تاریخی گفتمان را از زاویهٔ علوم اجتماعی مطرح می‌کند. در این روش اعتقاد بر این است که باید چارچوب منطقی و محکمی برای مطالعه روابط بین شناخت هویت زن، قدرت و گفتمان وجود داشته باشد. ون‌دایک شناخت را دارای ابعاد اجتماعی پررنگی می‌داند؛ بنابراین اگر در جامعه این‌گونه فرآیندها و نگاه‌ها و ایدئولوژی‌های هژمونیک وجود داشته باشد، تأثیرگذاری آن‌ها بر تعریف و نمود هویت زن انکارناپذیر بوده و بر ساختار تصورات ذهنی افراد جامعه نسبت به زن و همچنین بر شکل‌گیری هویت زن نیز تأثیر دارند؛ بنابراین، در این تحقیق با بررسی شیوه بازنمایی هویت زن و عوامل تأثیرگذار در این بازنمایی، تأثیرات جامعه بر هویت زن، واکنش‌های هویت زن نسبت به جامعه و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هویت زن بر افراد جامعه بررسی می‌شود. به این سبب، روش تحلیل گفتمان ون‌دایکی در تحلیل و واکاوی‌های این تحقیق برگزیده‌شده است.

بدون شک ایدئولوژی هژمونیک در یک جامعه بر ساختارهای ذهنی افراد اثر می‌گذارد، چه در درک و چه در تولید مفاهیم مختلف. رمان‌ها نیز از این ایدئولوژی تأثیر می‌گیرند، به‌ویژه وقتی نویسندگانی منتقد و بازتاب‌دهندهٔ مسائل اجتماعی خالق آن‌ها باشند؛ بنابراین، نوع انتخاب واژگان و استراتژی نویسندگان آن‌ها نیز متأثر از همان ایدئولوژی هژمونیک است. بر اساس روش تحلیل گفتمان ون‌دایکی، هنگامی‌که یک ایدئولوژی شکل می‌گیرد؛ یا در ستیز با

1. Social Function
2. Cognitive Function
3. Discourse Function
4. Van Dijk’s Discourse Analysis

ایدئولوژی‌های هژمونیک دیگر در یک جامعه است و یا برای اثبات خود در جامعه و قدرت گرفتن به کاربرد استراتژی‌های متفاوتی در گفتمان‌ها متوسل می‌شود. این استراتژی‌ها، روش نوشتن درباره خود و دیگران را متمایز می‌کند. این استراتژی‌ها بر پایهٔ «مربع ایدئولوژیک ون‌دایک[1]» بنانهاده شده که شامل چهار گزاره است: ۱. تأکید بر نقاط قوت خودی؛ ۲. تأکید بر نقاط ضعف دیگری؛ ۳. رفع تأکید از نقاط ضعف خودی؛ ۴. رفع تأکید از نقاط قوت دیگری.

البته چهار اصل ارائه‌شده فقط نمای کلی بحث بین ایدئولوژی‌ها را بازنمایی می‌کنند و هیچ استراتژی متنی را نشان نمی‌دهند. بدیهی است که برای تحلیل متن زمان‌ها در روش تحلیل گفتمان ون‌دایکی، به شناخت استراتژی‌های متنی و عناصر زبان‌شناختی نیازمندیم. چراکه اگر قرار است ایدئولوژی‌ها از طریق گفتمان، بیان، تقویت و ماندگار شوند، باید به دنبال نشانه‌های زبانی، استراتژی‌ها و عناصر زبان‌شناختی در متون باشیم. ون‌دایک تعداد زیادی از نشانه‌های متنی را معرفی و اشاره می‌کند که همه آن‌ها در هر گفتمانی کارکرد یکسان و مشابه ندارند و به همین سبب صدها استراتژی و عنصر زبان‌شناختی در تحلیل‌های مبتنی بر روش تحلیل گفتمان ون‌دایکی مدنظر قرار می‌گیرند (رحیمی و رئیسی، ۲۰۱۱: ۱۱۲-۱۰۷). ازاین‌رو، طی این پژوهش چند استراتژی پررنگ و پرتکرار پیرامون نمایش هویت زن در متن رمان‌ها بررسی‌شده که مختصراً به توصیف آن‌ها می‌پردازیم.

استراتژی‌های بکار رفته در متن رمان‌ها بر اساس چهار سطح معنا، توصیف، سبک و استدلال بررسی و همچنین اصول مربع ایدئولوژیک ون‌دایک نیز در بررسی‌ها مدنظر گرفته می‌شود. برای بررسی و تحلیل دقیق‌تر و جزئی‌تر گفتمان رمان‌ها، هر یک از چهار سطح در قالب زیر بخش‌هایی تقسیم می‌شوند که به تعریف و توصیف آن‌ها می‌پردازیم:

الف) سطح معنا[2]: در این سطح به بررسی مفاهیم و معانی پیرامون هویت زن در متن، فراتر از معانی ظاهری جملات، می‌پردازیم. به‌عبارت‌دیگر، این سطح فرامتن را بررسی می‌کند. این سطح به دو زیر بخش تقسیم می‌شود:

۱. پیش‌انگاره‌ها[3]: ون‌دایک فرامتن یا مفهوم برداشت‌شده از گفتمان را محصول پیش انگاره‌های ذهنی مخاطب نسبت به الگوها و رخدادهای جامعه می‌داند (ون‌دایک، ۲۰۰۳: ۴۶)؛ بنابراین به تصویر کشیدن بخشی از الگوهای رفتاری و ذهنی جامعه نسبت به هویت زن در رمان‌ها منجر به درک کامل گفتمان توسط مخاطب می‌شود که نشان از اهمیت

1. Van Dijk’s Ideological Square
2. Semantic Level
3. presupposition

پیش‌انگاره‌ها دارد.

۲. قطب‌بندی[1]: قطب‌بندی بدین معناست که اعضای یک گروه یا گفتمان، خودی‌ها و غیرخودی‌ها را مشخص می‌کنند؛ یعنی چه کسانی با آن‌ها هستند و چه کسانی با آن‌ها زاویه دارند (ون‌دایک، ۲۰۰۳: ۴۳). اینجاست که بین خودی و دیگران تفاوت‌هایی ایجاد و محدودۀ گفتمان به خاطر ترس از نفوذ و برای تضعیف رقیب، محدود می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، این زیر بخش نشان از زمان‌هایی دارد که زنان برای حفظ هویت خود و یا خانواده، افراد جامعه را قطب‌بندی و خود را محدود و منفعل می‌کنند؛ زیرا از نفوذ رقیب مخرب هراس دارند.

ب) سطح توصیف[2]: این سطح به بررسی توصیف‌های نویسنده می‌پردازد. این توصیف‌ها می‌توانند در مورد شرایط جامعه، محیط زندگی، افراد خانواده و یا ویژگی‌های خود زن باشند. در حالتی جزئی‌تر، گاهی این توصیف‌ها اشاره‌ای ضمنی و مفهومی تلویحی به گذشته، شرایط خانوادگی و شیوه تربیتی داشته باشد که یک زن از دل آن بیرون آمده. به سبب همین تنوعات، زیر بخش‌های این سطح بسته به متن هر رمان متفاوت هستند.

ج) سطح سبک[3]: در این سطح به بررسی سبک و استراتژی‌های نویسنده در بیان مسائل پیرامون هویت زن می‌پردازیم. این سطح یکی از مهم‌ترین سطوح در تحلیل‌ها محسوب می‌شود، چراکه شیوۀ بیان، تقویت و ماندگاری یک ایدئولوژی بسیار وابسته به سبکی است که نویسنده برای انتقال سخن خود انتخاب می‌کند. برای بررسی دقیق‌تر این سبک‌ها، این سطح به یک زیر بخش تقسیم می‌شود که به یکدیگر وابسته و گاهی مکمل یکدیگرند:

۱. واژه‌گزینی[4]: انتخاب واژه‌های درست و به‌کارگیری آن‌ها در مکان مناسب یکی از راه‌های مؤثر در بیان ایدئولوژی و قدرت گرفتن آن است. استراتژی واژه‌گزینی به‌صورت صحیح و کارآمد در انتقال معنا به مخاطب نقش پررنگی ایفا می‌کند.

د) سطح استدلال[5]: یکی دیگر از سطوح مهم در تحلیل رمان‌ها سطح استدلال است؛ زیرا در این سطح نویسنده اتفاقات و حوادث مسیر داستان را به‌نوعی جمع‌بندی کرده و سعی در انتقال پیام نهایی دارد. به‌عبارت‌دیگر، سطح استدلال عصاره‌ای از استراتژی‌های بکار رفته در سه سطح قبلی است، جایی که ایدئولوژی‌های مختلف مقایسه و با استناد به حوادث داستان پیام نهایی رمان به مخاطب منتقل می‌شود. این سطح به دو زیر بخش تقسیم می‌شود:

۱. مقایسه[6] و تغییر ایدئولوژی[7]: در این زیر بخش ایدئولوژی‌هایی که در طول رمان با یکدیگر مقایسه شده‌اند و همچنین

1. polarization
2. Description Level
3. Style Level
4. lexicalization
5. Reasoning Level
6. comparison
7. Change in ideology

تغییرات ایجادشده در آن‌ها بررسی می‌شود. بدین معنا که در بخش‌های مختلفی از رمان‌ها تلاش شده تا از طریق مقایسهٔ نظرات و ایدئولوژی‌ها، مباحثی چون هویت زن و قدرت در جامعه دچار تغییر و دگرگونی شود. به‌عبارت‌دیگر، از طریق مقایسهٔ افراد و گفتمان‌ها با یکدیگر، یک گفتمان ضعیف و گفتمان و نگرشی جدید قدرت می‌گیرد (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۱۳۶).

۲. استناد و ارجاع[1]: دیدگاه‌ها و تغییر ایدئولوژی و نگرش‌ها زمانی که با شاهد و دلیل مطرح شوند قابل‌قبول‌تر و مستحکم‌تر خواهد بود (ون‌دایک، ۲۰۰۳: ۶۹). استناد و اشاره به شخصیت‌ها و حوادث گوناگون رخ‌داده در طی داستان، منجر به پذیرش دلیل تغییر ایدئولوژی و تغییر نگاه‌ها می‌شود. همین مستدل بودن و منطقی نتیجه‌گیری کردن تأثیر پیام متن پیرامون هویت زن را برای مخاطب چندین برابر می‌کند که نشان از اهمیت استراتژی استناد و ارجاع دارد.

۴. ارائه و تحلیل داده‌ها

این تحقیق از نوع کیفی بوده و به روش توصیفی–تحلیلی با کمک روش تحلیل گفتمان ون‌دایکی انجام شده است. این چهار رمان به دلیل قدرت داستان‌نویسی نویسندگان و محوریت هویت زن در اکثر آثار آن‌ها و معرفی رمان‌ها به‌عنوان رمان پرمخاطب سال و جلب تحسین و استقبال منتقدین و خوانندگان انتخاب‌شده‌اند. همچنین، به علت نگاه بی‌طرفانه و متعادل به هویت زن در رمان‌ها، ازنظر تعداد، دو نویسنده زن و دو نویسنده مرد انتخاب‌شده است.

طی این تحقیق، ابتدا چهار رمان بررسی‌شده و چگونگی بازنمایی هویت زنان آشکار و سپس شرایط و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها در متن بر اساس اصول مربع ایدئولوژیک ون‌دایک و همچنین چهار سطح معنا، توصیف، سبک و استدلال بررسی و تفسیر پرداخته‌شده است. همچنین، طبق تعریفی که از "هویت" بیان شد، استراتژی‌ها در سه محور اصلی تحلیل هویتی، شامل: شکل‌گیری هویت زن، جهت‌دهی افکار و رفتار او و نهایتاً واکنش‌های زن، بررسی و دسته‌بندی می‌شوند.

۴-۱ رمان «سال بلوا» اثر عباس معروفی

۴-۱-۱ شکل‌گیری هویت زن

ابتدا به بیان عوامل مرتبط با شکل‌گیری هویت زن در قالب استراتژی‌ها در رمان سال بلوا می‌پردازیم.

۴-۱-۱-۱ سطح معنا: پیش انگاره‌ها

نویسنده در ابتدای داستان به توصیف زنان و جامعه می‌پردازد. در این داستان نیز این‌گونه است که شخصیت زن

1. evidentiality

همیشه به یاد پدر است و کلید رهایی را پدرش می‌بیند. علاوه بر این‌ها، خود زنان باور دارند که ضعیفه هستند و وابسته به مرد و اگر مبارزه کنند و حق خود را بخواهند سرنوشتی جز مرگ ندارند. این یعنی زنان به هویت مستقل خود اعتقاد نداشته و حتی تمام ابعاد هویتی آن‌ها تحت تأثیر منفی عوامل و شرایط پیرامون خود هستند. بعلاوه اینکه در این داستان حتی نظرات زنان هم متکی به نظر مرد است و سرنوشت زنان در دستان مردان رقم می‌خورد که یعنی حتی زنان تلاشی برای اثبات و ابراز هویت خود ندارند و تمام امور را به دست مردان سپرده‌اند. خلاصه اینکه هویت زن از تمام جهات به مردان وابستگی داشته و اعتقادی به هویت مستقل خود ندارند.

۱. «گاهی احساس می‌کردم دنیا بر اساس عقل و منطق مردانه می‌گردد که مردها شوهر زن‌ها بشوند و صورتشان را چروکیده کنند، اگر توانستند بچه به دامنشان بیندازند و اگر نتوانستند اشکشان را دربیاورند. زن موجودی است معلول و بی‌اراده که همه جرئت و شهامتش را می‌کشند تا بتوانند برتری‌شان را به اثبات برسانند. مسابقهٔ مهمی بود و مرد باید برنده می‌شد.» (معروفی، ۱۳۸۲: ۶۳)

۲. «گفتم: چرا زور می‌گویی، مادر؟ چرا هر وقت جایی می‌روم یکی باید مثل سایه دنبالم باشد؟» مادر یکدستش را به کمرش زد، قدمی جلو آمد: «چه‌حرف‌ها! کی پدرت اجازه می‌داد ما که زنش بودیم پامان را از خانه بیرون بگذاریم؟ حالا دخترش تک‌وتنها برود بیرون؟ مگر من می‌گذارم؟» (همان: ۲۰)

۳. «نوشا: بچه که بودم خیال می‌کردم همه‌چیز مال من است، دنیا را آفریده‌اند که من سرم گرم باشد، آسمان، زمین، پدر، مادر، درخت‌ها، اسب‌ها، کالسکه‌ها و حتی آن گنجشک‌ها برای سرگرمی من به وجود آمده‌اند. بعدها یکی‌یکی همه‌چیز را ازم گرفتند.» (همان: ۵۸)

۴. «زبیده خاتون اخم کرد: فکر کند؟ به چی فکر کند؟ چشم‌وچراغ سنگسر آمده و خواهانش است، فکر کند؟ زمانی که شوهرم دادند، اصلاً خبر نداشتم، بعد فهمیدم که شوهر کرده‌ام. توی شهر ما رسم نیست که نظر دختر را بپرسند.» (معروفی، ۱۳۸۲: ۷۲)

۴-۱-۲ جهت‌دهی افکار و رفتار

اکنون عواملی را که سبب جهت‌گیری هویت زن می‌شوند، بر اساس استراتژی‌ها بررسی می‌کنیم.

۴-۱-۲-۱ سطح سبک: واژه‌گزینی

در این داستان، مردان اگر خطایی در حق زنان بکنند باز مورداحترام و بزرگ‌اند؛ یعنی نه‌تنها هویت مردان در مقابل هویت زنان به‌شدت پررنگ و تأثیرگذار است، بلکه اشتباه و خطا از جانب مردان باز این بزرگی و ابهت را حفظ می‌کند. تا اینجای رمان، اطراف زنان سراسر کنش منفی نسبت به هویت آنان بوده و هیچ جهت‌گیری و یا واکنش خاصی از

جانب زنان مشاهده نمی‌شود؛ این یعنی سکوت مطلق هویت زن در برابر حوادث اطراف.

۵. "مادر جعبهٔ منجوق‌دوزی شده پشت آینه را آورد و روی میز گذاشت. در برابر ابهت آن روزگار پدر تسلیم‌شده بود. تا آن روز هیچ‌وقت پدر را آن‌طور عصبی و هیجان‌زده ندیده بودم، بااین‌حال حتی آن روز هم مهربان‌تر از مردهای مهربان بود؛ و من بعدها فهمیدم که از حسینا مهربان‌تر نبود، اما از دیگر مردهای دنیا مهربان‌تر بود." (همان: ۴۰)

۴-۱-۲-۲ تأکید بر نقاط ضعف دیگری و رفع تأکید از نقاط ضعف خودی

در این داستان، کنش‌ها و واکنش‌ها از سوی گفتمان غالب مردانه برای تضعیف گفتمان زنانه صورت می‌پذیرد. در بخشی از رمان نوش‌آفرین در حال کتک‌خوردن از معصوم است. سپس معصوم او را «جزامی» خطاب می‌کند. او سعی می‌کند همسرش را با صفات منفی تحقیر کند.

۶. "نوش‌آفرین زانو زده بود، صورتش را در دست‌هایش گرفته بود و گریه می‌کرد. معصوم انگار که راه درازی را دویده باشد، نفس‌زنان همچنان قنداق موزر را به کلهٔ نوش‌آفرین می‌کوبید. بعد که به خود آمد، جسم بی‌حرکت او را بغل زد و به پنج‌دری برد، او را روی تخت خواباند، درها و پنجره‌ها را محکم کرد، پرده‌ها را کشید، بالاسر نوش‌آفرین ایستاد و گفت: جذام" (همان: ۱۳۰)

۴-۱-۳ واکنش‌های زن

درنهایت، با توجه به استراتژی‌ها به بررسی واکنش‌های هویت زن می‌پردازیم.

۴-۱-۳-۱ سطح استدلال: مقایسه و تغییر ایدئولوژی

در این داستان نه‌تنها هویت زن در مقابل مردان به‌صورت مغلوب به تصویر کشیده، بلکه خود مردان نیز به خاطر مسائل سیاسی و اجتماعی آن روزگار در مقابل هجوم بیگانگان ضعیف و مغلوب بودند. در اینجا علاوه بر گفتمان‌ها به بررسی و نشان دادن اوضاع ناآرام سیاسی ایران در آن دوران پرداخته و همچنین بازتاب‌دهندهٔ مسائل اجتماعی آن دوران نیز هست. این تقابل و قیاس‌ها نشان می‌دهد که هم هویت زن در مقابل مردان ضعیف است و از طرفی هویت هژمونیک مردان نیز در مقابل بیگانگان ضعیف و مغلوب است.

۷. "من نمی‌گذارم این شرارت‌ها ادامه داشته باشد. آن‌کسانی که رو به قبلهٔ رزم‌آرا نماز نخوانند، اعدام می‌شوند. آن‌کسانی که رفتار مشکوک داشته باشند، اعدام می‌شوند. آن‌کسانی که اطلاعاتی از افراد شرور داشته باشند و بخواهند پنهان کنند، اعدام می‌شوند. چه کسی دست به قتل میرزا حبیب رزم‌آرا زده است؟ من حسینا را اینجا دار می‌زنم. من این دار را برای رفاه عموم ساخته‌ام. این دار عمومی است. من این شهر را آباد خواهم کرد. حرفی ندارم. بروید." (همان: ۱۲۴)

۸. "ناژداکی شهردار گفت: «مردم به دار عادت کرده‌اند.» سروان خسروی گفت: «بله نگاهشان کنید.» میرزا حسن گفت: «مرده‌های متحرک!» مردم دوروبر آن می‌پلکیدند، از زیرش رد می‌شدند، دستشان را بهش تکیه می‌دادند و کم مانده بود که به جانش قسم هم بخورند. انگار که جزئی از شهر بوده و از قبل بوده و همین چند وقت پیش ساخته نشده است." (همان: ۱۳۰)

۴-۲. رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» اثر زویا پیرزاد

۴-۲-۱ شکل‌گیری هویت زن

ابتدا به بیان عوامل مرتبط با شکل‌گیری هویت زن در قالب استراتژی‌ها در رمان زویا پیرزاد می‌پردازیم.

۴-۲-۱-۱ سطح توصیف

در طول مسیر داستان شخصیت «کلاریس» دائماً در حال پرداختن به کارهای درون خانه است و حوادث برای او یکنواخت و تکراری‌اند. آن‌قدر «کلاریس» دچار روزمرگی می‌شود که با وقوع برخی کارهای آشنا و تکراری، حتی نیاز نیست به ساعت نگاه کند و زمان را می‌داند. پیشروی کُند روند داستان نشان از کسالت‌باری زندگی او می‌دهد. گاهی در کلام اغراق می‌کند، اما در این اغراق حقیقت روزمرگی نهفته است. این‌چنین دیالوگ‌هایی در داستان نشان از ملال‌آور بودن زندگی زن و توجه دائم به خانه، فرزندان، دیگران و حتی فراموشی از خود دارد.

در اینجا هویت زن تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و مشخصاً با توصیف روزمرگی‌های «کلاریس»، نویسنده نادیده گرفتن هویت فردی (شخصی)، هویت خانوادگی و هویت اجتماعی زن را نشان می‌دهد. این یعنی نه‌تنها جامعه هویت مستقلی از زن را نمی‌شناسد، بلکه در امور شخصی و خانوادگی او نیز تأثیر گذاشته و هویت زن را کمرنگ کرده است.

۱. "صدای ترمز اتوبوس مدرسه آمد، بعد قیژ در فلزی حیاط و صدای دویدن راه باریکه وسط چمن، لازم نبود به ساعت دیواری آشپزخانه نگاه کنم، چهار و ربع بعدازظهر بود." (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۹)

۲. "کلاریس در مورد لباس آرسینه می‌گوید: «ندیده می‌دانستم لبه جیب آرسینه هم شکافته.» (همان: ۱۰)

۳. "مادرش از کلاریس می‌پرسد: «گردگیری نکردی؟» و کلاریس پاسخ می‌دهد: «چرا، پریروز هشت بار، دیروز شانزده بار، امروز سی‌ودو بار." (همان: ۲۹)

۴. "نامهٔ آرمن به امیلی: «مادرم فقط بلد است ایراد بگیرد، غذا بپزد، گل بکارد و غر بزند." (همان: ۱۹۰)

۵. "برگزاری مهمانی‌ها و کار غذا پختن و ظرف شستن همیشگی کلاریس." (همان: ۳۴)

۴-۲-۱-۲ سطح سبک: واژه‌گزینی

در این رمان، نویسنده با بهره‌گیری از استراتژی‌های واژه‌گزینی و بلاغت، مفاهیمی چون «عدم توجه به خود، توجه بیشتر به خواستهٔ دیگران، عدم توجه دیگران به او» را در قالب جملات کنایی، طعنه‌آمیز یا منفی بکار برده است. این بخش اشاره به جنبه اجتماعی هویت دارد. رفتارهای خانواده و جامعه اطراف یک زن، اولاً بر هویت اجتماعی و ثانیاً بر واکنش‌های او نسبت به جامعه و اطرافیان تأثیر می‌گذارد. این عدم توجه به هویت و موجودیت زن در خانواده و اجتماع، تأثیر انکارناپذیری بر رفتارها و واکنش‌های زن دارد که طبیعتاً هویت او را در تمام زمینه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۶. "فکر کردم وقت می‌کنم به کارهایی که دوست دارم برسم، ور ایرادگیر ذهنم پرسید: چه کارهایی؟" (همان: ۱۹)

۷. "کلاریس با ورود همسایهٔ جدید بیشتر به خواستهٔ خود فکر می‌کند و می‌گوید: «بس که هر کاری را به خاطر دیگران کردم خسته شدم." (همان: ۲۰۲)

۸. "وقتی می‌خواهد مهمانی بگیرد می‌گوید: «هیچ‌کس به من توجه نمی‌کند و تنها به فکر خودش است. بچه‌ها در دنیای کودکی خود خوشحال‌اند و فکر می‌کنند غرغرو و ایرادگیرم." (همان: ۲۰۲)

۹. "موقع مهمانی همیشه می‌گوید: «وقت میز چیدن برای مهمان‌ها همیشه یادم می‌رفت خودم را بشمرم." (همان: ۲۰۹)

۴-۲-۲ جهت‌دهی افکار و رفتار

اکنون عواملی که سبب جهت‌گیری هویت زن در رمان می‌شوند بررسی می‌کنیم:

۴-۲-۲-۱ سطح استدلال: مقایسه و تغییر ایدئولوژی

سطح استدلال در این رمان با ضعیف شدن رابطهٔ زن و شوهر و از بین رفتن ایدئولوژی خانواده، مقایسهٔ رفتار دیگران و تلاش برای ایجاد تحولی جدید نشان داده‌شده است. «کمرنگ شدن رابطهٔ عاشقانه، بی‌توجه بودن نسبت به جمع خانواده، عدم ابراز علاقه و محبت مستقیم و درنهایت جذب شدن کلاریس به سمت امیل» از نشانه‌های شروع قدرت گرفتن گفتمان رقیب و ضعف گفتمان خودی است.

عدم توجه به زن و درنتیجهٔ آن رفتن زن به سمت انتخاب‌های دیگر، نشان از جهت‌گیری و واکنش‌های زن نسبت به شرایط و اطرافیان دارد و مجموعه این اعمال تعریف عینی هویت زن است. به‌عبارت‌دیگر، کنش‌های اجتماعی و خانوادگی که هویت فردی (شخصی)، خانوادگی و اجتماعی زن را دچار تزلزل می‌کند منجر به واکنش‌هایی از سوی زن شده تا هویت مستقل خود را نشان داده و تلاش کند تا دیده شود و قدرت بگیرد. در تمام ابعاد هویتی، کنش‌ها

نسبت به یک فرد، چه زن و چه مرد، هیچ‌گاه بدون واکنش نبوده و نخواهند بود.

۱۰. "کلاریس با خود فکر می‌کند که شوهرش در طول هفده سال عروسی‌شان چند بار به خاطر او ناراحت شده که خودش جواب می‌دهد: «خیلی به‌ندرت»" (همان: ۲۳۸)

۱۱. "چند وقت بود دستم را نگرفته بود؟" (همان: ۵۷)

۱۲. "چه خوب که هفته‌ای یک‌بار همه سر ناهار دورهم باشیم." (همان: ۵۹)

۱۳. "سال‌ها بود فهمیده بودم آرتوش با مقصر شمردن هرکسی که اتفاقی برایش می‌افتد، محبتش را نشان می‌دهد." (همان: ۱۰۷)

۱۴. "وقتی امیل به خانه کلاریس می‌رود، کلاریس متوجه ورود بچه‌ها نمی‌شود: «بچه‌ها که کیف مدرسه به دست، تو درگاهی اتاق پیدایشان شد، فکر کردم چطور صدای اتوبوس مدرسه را نشنیده‌ام." (همان: ۱۵۲)

۴-۲-۲-۲ تأکید بر نقاط ضعف دیگری و رفع تأکید از نقاط ضعف خودی

با توجه به اصول مربع ایدئولوژیک ون‌دایک طی این داستان، شرایط جدید پیش‌آمده برای کلاریس و دوستی با خانم نوراللهی، او را آگاه می‌کند. او خواسته‌های جدیدی دارد. از طرفی همه زنان داستان که خود را شبیه دیگری و با درد مشترک خطاب می‌کنند، با تزریق آگاهی و ورود دغدغهٔ جدید، یکنواختی از زندگی کلاریس و بقیه حذف می‌شود. با تزریق این آگاهی، گفتمان خودی که همان هویت زن است، قدرت گرفته و گفتمان غیرخودی که همان ایدئولوژی مردسالاری است، ضعیف می‌شود.

۱۵. "کلاریس با ورود همسایهٔ جدید بیشتر به خواستهٔ خود فکر می‌کند و می‌گوید: «بس که هر کاری را به خاطر دیگران کردم خسته شدم." (همان: ۲۰۲)

۱۶. "خانم نوراللهی سخنرانی‌هایی دربارهٔ «زن و آزادی» داشت و می‌گوید: "تنها آرایش و زیبایی شرط زن بودن نیست." (همان: ۷۸)

۱۷. خانم نوراللهی: "بازهم تکرار می‌کنم که اولین خواست و هدف بانوان ایران داشتن حق رأی است." (همان: ۷۷)

۱۸. خانم نوراللهی دوست کلاریس بود و با اجتماع و سیاست در ارتباط بود، کلاریس در مورد او می‌گوید: "می‌دانستم شوهر دارد و سه بچه مثل خود من، بااین‌حال هم کار می‌کرد و هم فعالیت اجتماعی داشت. من غیر از کار خانه چه می‌کردم؟" (همان: ۷۹)

۴-۲-۳ واکنش‌های زن

با توجه به استراتژی‌ها، درنهایت، واکنش‌های هویت زن را بررسی می‌کنیم.

۴-۲-۳-۱ سطح استدلال: استناد و ارجاع

استناد و اشاره به شخصیت‌ها و حوادث گوناگون در طی داستان، این‌گونه نشان می‌دهد که کلاریس که در ابتدا به مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌توجه بود؛ در پایان نسبت به آن‌ها علاقه نشان می‌دهد. از طرفی مادر کلاریس به‌عنوان نمایندهٔ زنی از نسل قبل تا پایان داستان به این‌گونه مسائل توجه و علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. از طرفی خانم نوراللهی به‌عنوان دوست کلاریس، فعال اجتماعی و سیاسی پیرامون حقوق زنان است و زنی فعال در جامعه است، شرایط خانوادگی مشابه کلاریس دارد و بر نگاه کلاریس تأثیر می‌گذارد. این پایان‌بندی داستان به رابطهٔ زنان و مسائل اجتماعی تأکید می‌کند و حضور زن در جامعه را به تصویر می‌کشد.

این بخش نیز در امتداد همان آگاه شدن هویت زن نسبت به خود است و نشان‌دهندهٔ واکنش‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت زن نسبت به کنش‌های پیرامون خود است. نکته جالب‌توجه در این بخش غلبهٔ هویت جدید زن بر مؤلفه‌های تربیتی است که بر هویت او تأثیر گذاشته بود. برخلاف فضای تربیتی که او را مطیع و نسبت به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت تربیت کرده بود، اکنون او نسبت به حوادث اجتماعی و سیاسی جامعهٔ خود مشتاق است. از طرفی، قبلاً شاهد آن بودیم که به دلیل برخی کنش‌های اجتماعی و خانوادگی و بی‌توجهی‌ها، «کلاریس» نسبت به شوهرش زاویه گرفته و جبهه‌گیری می‌کرد، اما اکنون با تغییر نگرش و آگاهی، به زندگی خود بازگشته و سعی در حفظ خانوادهٔ خود دارد. تمام این استناد و ارجاع‌ها نشان‌دهندهٔ شکل‌گیری هویتی جدید از زن است که حتی بر واکنش‌های او نیز تأثیر داشته و شرایط را دگرگون می‌کند.

۱۹. "کلاریس به شوهرش می‌گوید: «عنوان‌های درشت خبرهای روزنامه را خواندم، هر بار حوصله‌ام سررفته بود." (همان: ۲۰)

۲۰. وقتی عده‌ای سیاستمدار مهمان آرتوش بودند کلاریس گفت: "آمدنشان به اینجا خطرناک نیست؟" (همان: ۸۸)

۴-۳. رمان «سووشون» اثر سیمین دانشور

۴-۳-۱ شکل‌گیری هویت زن

ابتدا به بیان عوامل مرتبط با شکل‌گیری هویت زن در قالب استراتژی‌ها در رمان سووشون می‌پردازیم:

۴-۳-۱-۱ سطح توصیف

در ابتدا نویسنده شروع به توصیف محیط و لوازم مختلف می‌کند که بسیار دقیق و یا به عبارتی زنانه هستند. مثل توصیف لوازم آشپزخانه، وسایل خیاطی، زیورآلات و امثال این‌ها. از همین ابتدا نویسنده سعی در توصیف زنانهٔ

محیط و لوازم دارد که توصیفی است از هویت فردی (شخصی) و هویت خانوادگی زنان و نگاه آنان به پیرامون خود.

از طرف دیگر، زری در رمان سووشون، همچون سایر زنان، زنی است با نگرانی و دل‌شورهٔ زنانه. نویسنده در این رمان برای توصیف متفاوت و پررنگ زری، از روش و زبانی مردانه استفاده نکرده و او را زنی مانند دیگر زنان به تصویر کشیده است. در این رمان هویتی از زن نشان داده‌شده که با تمام خصوصیات روحی و جسمی زنانه، بر محدودیت و افکار قالب در جامعهٔ خود فائق آمده و آغازگر حرکتی جدید می‌شود. حرکت او که یک کنش اجتماعی نسبت به ظلم حاکمان زمان خود او است. این شیوهٔ توصیف در سرتاسر رمان مشهود است، به‌طوری‌که در پایان رمان مخاطب حس می‌کند که قهرمان واقعی رمان خود زری است:

۱. "از کجا گوشواره زمرد او را دیده‌اند؟" (دانشور، ۱۳۴۸: ۸)

۲. "یوسف گوشواره‌ها را به دست خودش به گوش او کرده بود." (همان: ۸)

۳. "خانم فاطمه پشت سماور که می‌جوشید نشسته بود." (همان: ۲۱)

۴-۳-۱-۲ سطح معنا: پیش‌انگاره‌ها

زری، نقش اصلی زن رمان سووشون، هویتی قوی و مستقل دارد. او زنی فرهیخته با تفاوت‌های بسیاری نسبت به اغلب زنان اطراف خود، مسلط به زبان انگلیسی و دارای احترام خاصی میان زنان و مردان است. زری هویتی دارد که تعامل با شوهرش و همچنین در رفتار با فرزندانش، همسر و مادری تمام‌عیار از خود نشان داده است.

از طرفی، در رمان، مادر به‌عنوان سرچشمه و انگیزه زندگی معرفی شده است و هر جا که نویسنده از مادر سخن می‌گوید، به فداکاری و نقش تربیتی او نیز اشاره می‌شود. زن، به‌عنوان یک مادر، بیشترین سهم را در تربیت فرزندان داشته و به عبارت ساده‌تر باغبان باغی است که ثمرهٔ آن نقش پررنگی در فردای یک جامعه دارد.

در رمان سووشون نیز از زری در نقش مادر به‌عنوان مهد فداکاری و عطوفت و کوه صبر و بردباری و کانون دل‌بستگی فرزندان یادشده است. همچنین زن در نقش مادر درحالی‌که به‌اندازه پدر فعال به نظر نمی‌رسد، نقش مهمی در حفظ خانواده و ایجاد ثبات و آرامش آن ایفا می‌کند، تا حدی که در مواقعی که خطری کانون خانوادهٔ او را تهدید می‌کند، مادر بودن و همسر بودن او را به خانواده متصل نگه‌داشته و برای رفع آن خطر می‌کوشد. حتی عشق مادرانهٔ زری را درجایی که در فراق پسرش ناله می‌کند هم می‌توانیم ببینیم.

پیش‌انگاره‌ای که از نقش مادری از زن در ذهن مخاطب تشکیل می‌شود، انتظاراتی را برای نقش مادر و زن پیش می‌کشاند. نقش زن در قالب مادر منجر می‌شود تا مخاطب در حوادث مختلف رمان واکنش بخصوصی را از زن

انتظار داشته باشد؛ اما هویت زن در مسیر داستان با محدودیت و مشکلاتی مواجه می‌شود که اختیارات و استقلال او را محدود می‌کند. این تناقض میان انتظارات و وظیفهٔ مادر منجر به پررنگ شدن محدودیت‌ها و آشکار شدن تناقض‌ها برای مخاطب می‌شود. کارکرد اجتماعی و شناختی گفتمان رمان اینجا ظاهر می‌شود، به‌طوری‌که این تناقض که ریشهٔ اجتماعی دارد برای مخاطب آشکارشده و مفهوم رمان به‌درستی به او منتقل می‌شود.

۴. "هرچند در مدرسهٔ انگلیسی‌ها درس خوانده بود و پدر مرحومش بهترین معلم انگلیسی در شهر شمرده می‌شد." (همان: ۶)

۵. خطاب به افسرهای خارجی گفت: "خانم زهرا خواهش می‌کنم برایشان ترجمه بفرمایید." (همان: ۹)

۶. "زری در شهر به انگلیسی دانی مشهور بود." (همان: ۳۸)

۷. "تمام زندگی من همین‌طور گذشته؛ من هرروز... هرروز تو این خانه، مثل چرخ چاه می‌چرخم تا گل‌هایم را آب بدهم. نمی‌توانم ببینم آن‌ها را کسی لگد کرده، من عین حسین کازرونی با دست‌هایم برای خود هیچ کاری نمی‌کنم... من... نه تجربه‌ای. نه دنیا دیدنی... " (همان: ۱۳۰)

۴-۳-۲ جهت‌دهی افکار و رفتار

در این بخش، عواملی که سبب جهت‌گیری هویت زن می‌شوند را بر اساس استراتژی‌ها بررسی می‌کنیم.

۴-۳-۲-۱ سطح معنا: قطب‌بندی

با ورود فرهنگ غرب به ایران، وضعیت هویتی زنان نیز مانند دیگر اقشار اجتماعی تغییر کرد. برخی سنت‌ها از یادها رفت و مراسمات جدید جایگزین آن‌ها شدند؛ اما در طول رمان هنوز شاهد حضور برخی مراسمات دینی و مذهبی هستیم. وجود این مراسمات مذهبی و سنتی در کنار وجود برخی مراسمات غیر سنتی و جدید که در میان اقشار خاصی از جامعه رواج داشت، منجر به قطب‌بندی و مقوله‌بندی گفتمان‌ها و هویت زن می‌شود. این تناقض بر انتخاب اعضای گروه خودی تأثیر داشت و افراد جامعه را دسته‌بندی می‌کرد. گروهی که باورها و اعتقادات مذهبی در عمق وجودشان ریشه کرده بود و در مقابل گروهی که متأثر از فرهنگ جدید بودند.

۸. زری گفت: "فردا شب، شب جمعه است، می‌دانید که من نذر دارم." ابوالقاسم خان چشم‌هایش را به هم زد و گفت: "زن داداش دستم به دامنت." (همان: ۱۷)

۹. "زری به ایران رفت و منتظر ماند تا عمه خانم نمازش را سلام داد و پاکت را باز کرد." (همان: ۸۱)

۱۰. "عمه خانم برایشان چادرنماز دوخته، پا به پای عمه نماز می‌خوانند... و ناگهان به صرافت افتاد." (همان: ۱۱۱)

۱۱. زری آهسته به عمه خانم گفت: "چادرتان را بیندازید روی سرتان، این‌ها که در باغ نشسته‌اند، مرد هستند." عمه خانم به

صورتش زد و گفت: "پناه‌برخدا، رو به هفت‌کوه سیاه دوره آخرالزمان شده." و چادرش را هول‌هولکی به سر کشید. (همان: ۵۵)

۴-۳-۲-۲ تأکید بر نقاط ضعف دیگری و رفع تأکید از نقاط ضعف خودی

در بخشی از داستان شاهد مربع ایدئولوژیک ون‌دایک هستیم؛ اما در اینجا گروه خودی و گروه رقیب هر دو گروه زنانه هستند و چند گروه زنانه در رقابت با یکدیگر قرار می‌گیرند و خصوصیت منفی یکدیگر را بیان می‌کنند. در اینجا می‌بینیم که خود زنان با قصه سازی در مورد زنان دیگر برخی ویژگی منفی هویت زن را دوچندان می‌کنند. زنان داستان در چند مورد با بینش سطحی و کمی که دارند در مورد دیگران به قصه سازی پرداخته و با دخالت بی‌مورد به عیب‌جویی و ایرادگیری از یکدیگر مشغول می‌شوند. در این رمان نگرش منفی "عمه خانم" نسبت به "عزت الدوله" را شاهد هستیم و یا در بخش دیگر دخالت "بی‌بی همدم" پیرامون نازایی "زن ملک سهراب" مشهود است که مدام با سرکوفت زدن سعی در نابودی زندگی آن‌ها داشت.

هویت زن در این رمان وقتی اختیار و قدرتی نداشت و حمایتی از جانب اجتماع و خانواده خود نمی‌دید، درنتیجه برای به دست آوردن یک حس خوشایند به سمت رقابت با زنان دیگر می‌رود. زنان عیب و ایراد یکدیگر را دوچندان می‌کردند و خود را مبری از عیب و ایراد می‌دیدند. ویژگی‌های منفی دیگران را بزرگ کرده تا گروه خود را قدرتمند و صاحب‌اختیار جلوه دهند.

۱۲. "عزت الدوله با پادردی که دارد چطور خودش را رسانده بود؟ لابد آمده بود سروگوشی آب بدهد ببیند چه خبر است؟" (همان: ۲۵۵)

۱۳. زن بیچاره ملک سهراب می‌گفت: "بی‌بی همدم، اگر شما دم‌بەدم سرکوفت نزنید، خودمان اصلاً به فکرش نمی‌افتیم و زندگی خوش خودمان را خراب نمی‌کنیم و قصه یک زنی را هم گفت که اولادش نمی‌شده." (همان: ۲۵۸)

۴-۳-۳ واکنش‌های زن

درنهایت، با توجه به استراتژی‌ها به بررسی واکنش‌های هویت زن می‌پردازیم:

۴-۳-۳-۱ سطح استدلال: مقایسه و تغییر ایدئولوژی

هویت زن در رمان سووشون ابتدا دچار ترس و گوشه‌نشینی است، اما با مرور زمان و اتفاقات مختلف دچار تغییر و تحول شده و شهامت و شجاعت کسب می‌کند. این رفتار از جانب زن ریشه در اجتماع و شرایط جامعهٔ اطراف او دارد؛ زیرا رفتار و نگرش جامعه او را مجبور به کنار نشستن و سپردن کار به دست مردان می‌کند. درنتیجه این رفتارهای

اجتماعی، هویت زن در جامعه گم می‌شود و کم‌کم خود زنان نیز نقش خود را فراموش می‌کنند و سکوت می‌کنند.

اما درزمینهٔ کارکرد اجتماعی و شناختی، از طرفی برخی رفتارها از جامعه زن را وادار به سکوت می‌کند و از طرف دیگر برخی کنش‌های اجتماعی و حوادث به او بیداری و آگاهی می‌دهد. رفتار درست اجتماع منجر می‌شود تا زن هویت خود را بشناسد، نسبت به آن آگاه شده و در حد توان خود در جامعه نقش ایفا کند. در رمان سووشون نیز شاهد این کارکردها هستیم. از طرفی زنانی را می‌بینیم که سکوت اختیار کرده و عنان تمام امور مهم جامعه را به مردان داده‌اند و از ظرف دیگر شاهد هویتی هستیم به نام زری که به خاطر توجه و رفتاری که از سوی همسرش دیده، هویت خود را می‌شناسد و از نقش خودآگاهی دارد. زری هرچند در ابتدا همسرش را به مدارا دعوت می‌کند، اما با از دست دادن همسرش دیگر دلیلی برای مدارا ندیده و ترس و نگرانی را کنار می‌گذارد. هویت زری در خود شهامت دیده و دچار تحول فکری می‌شود.

۱۴. "زری مثل مرغی بود که از قفس آزادشده باشد، یک دانای اسرار به او ندا و نوید داده بود، نه یک ستاره، هزار ستاره در ذهنش روشن شد. دیگر می‌دانست که از هیچ‌کس و هیچ‌چیز در دنیا نخواهد رسید." (همان: ۲۸۶)

۱۵. "زری با شهامت تمام در مقابل خان کاکا می‌ایستد و با او مخالفت می‌کند و با آگاهی تمام و روشن‌بینانه به مسائل می‌نگرد، زری تأمل کرد و به خان کاکا گفت: امروز به این نتیجه رسیدم که در زندگی و برای زنده‌ها باید شجاع بود؛ اما حیف که دیر به این فکر افتادم بگذارید به جبران این نادانی در مرگ شجاع‌ها خوب گریه کنم، چراغ‌های ذهن زری روشن‌شده بود و او می‌دانست که دیگر هیچ‌کسی در این دنیا نخواهد توانست آن چراغ‌ها را خاموش کند." (همان: ۲۹۲)

۱۶. "زری روزگاری از نزدیک شدن خسرو به دیوار خانه حاکم بیم داشت که مبادا خطر او را تهدید کند اکنون، مرگ یوسف وجود زری را از تردیدها می‌پیراید و دید او را نسبت به زندگی عوض می‌کند. تا آنجا که تفنگ دست خسرو می‌دهد و می‌گوید: می‌خواستم بچه‌هایم را با محبت و در محیطی آرام بزرگ کنم؛ اما حالا با کینه بزرگ می‌کنم، به دست خسرو تفنگ می‌دهم." (همان: ۲۵۴)

۱۷. زری گفت: "شوهرم را به تیر ناحق کشته‌اند. حداقل کاری که می‌شود کرد عزاداری است. عزاداری که غدغن نیست. در زندگی‌اش هی ترسیدیم و سعی کردیم او را هم بترسانیم. حالا در مرگش دیگر از چه می‌ترسیم؟ آب از سر من یکی که گذشته." (همان: ۲۹۱)

۴-۳-۳-۲ سطح استدلال: استناد و ارجاع

در بخش‌های مختلفی از رمان نویسنده تلاش کرده تا از طریق مقایسه، مباحث ایدئولوژی هژمونیک و قدرت را به

نفع جامعهٔ مردان و به ضرر جامعهٔ زنان نمایش دهد. این‌چنین که زنان هویت مستقل و فعالی ندارند و محدود به خانه و فرزندان‌اند، ظلم در جامعه را می‌بینند و کاری نمی‌توانند بکنند، از طرفی قانون هم حمایتی از آنان نمی‌کند. پس ظلم و ستم جامعه نسبت به خود را می‌بینند و در مقابل آن سکوت می‌کنند. هویت زن در این مقایسه‌ها تحت حاکمیت ایدئولوژی هژمونیک قرارگرفته و ضعیف و محدود به نظر می‌رسد. به‌عبارت‌دیگر، تمام انواع هویت تحت تأثیر منفی تمام عوامل تأثیرگذار بر هویت قرارگرفته و درنتیجه هویت زن نادیده و ضعیف می‌شود.

۱۸. "در داستان زنان مظلوم واقع‌شده‌اند." (همان: ۱۶۸)

۱۹. "قانون هم به مظلومیت آنان کمک کرده." (همان: ۱۶۸)

۲۰. "زنان بجای احقاق حق، به‌راحتی از حقوق خود گذشته و تنها به فرزندان خویش، دل‌بسته‌اند." (همان: ۱۶۸)

۴-۴. رمان «شوهر آهو خانم» اثر علی‌محمد افغانی

۴-۴-۱ شکل‌گیری هویت زن

اکنون به بیان عوامل مرتبط با شکل‌گیری هویت زن در قالب استراتژی‌ها در رمان شوهر آهو خانم می‌پردازیم:

۴-۴-۱-۱ سطح سبک: واژه‌گزینی

نامی که برای رمان انتخاب می‌شود می‌تواند به انتقال مفهوم و مضمون رمان کمک شایانی بکند. در اینجا نام رمان با نوعی کنایه همراه است. شخصیت اصلی رمان، آهو خانم، همسر سیدمیران، است اما نامی که نویسنده برای رمان برگزیده با نوعی اشاره به وضعیت مردسالار جامعه دارد و هویت زن را وابسته به شوهرش نشان می‌دهد.

۴-۴-۱-۲ سطح معنا: پیش انگاره‌ها

در این رمان، هویت آهو خانم، نقش مثبت داستان و دارای خصایص نیکوست. آهو مادری خوب است و زندگی خود را وقف فرزندانش کرده و به خاطر آن‌ها از امتیازاتش می‌گذرد. او تمام تحقیرها را تحمل می‌کند تا سرانجام سیدمیران را برگرداند. از طرفی هویت آهو همواره مطیع شوهر بوده و رضایت او برای آهو مهم است. بعلاوه اینکه مدیریت او در زندگی موجب پیشرفت سیدمیران بوده و حتی در زمان نبود سیدمیران، بازهم به فکر آبروی او بوده و از بدهکاری او چیزی نمی‌گوید.

طی داستان می‌بینیم که باوجودآنکه شوهر آهو خانم دل به هما داده است، حتی به بی‌وفایی و خیانت فکر هم نمی‌کند و حتی باآنکه از جانب شوهرش بی‌اعتنایی دیده و رنج زیادی تحمل کرده، گذشته را فراموش کرده و شوهرش را به زندگی برمی‌گردند.

۱. "وقتی‌که قاچاق پارچه سید میران برملا می‌شود، این آهوست که به او پول می‌دهد: چون حس کرده بود شوهرش در آن موقع حساس در تنگنای بی‌پولی است، یک‌بار آورده بود سی تومان و بار دیگر هجده تومان به او داده بود." (افغانی، ۱۳۴۰: ۵۹۰)

۴-۴-۲ جهت‌دهی افکار و رفتار

اکنون عواملی که سبب جهت‌گیری هویت زن می‌شوند را بر اساس استراتژی‌ها بررسی می‌کنیم.

۴-۴-۲-۱ تأکید بر نقاط ضعف دیگری و رفع تأکید از نقاط ضعف خودی

ورود هما به زندگی سیدمیران در شخصیت او تغییراتی ایجاد کرد. سیدمیران ابتدا بهترین تفریح زن را کار در خانه می‌دانست اما اکنون با هما به سینما رفته و با او در مجالس عمومی حاضر می‌شود. سیدمیران در جشن کشف حجاب، با هما بدون حجاب حاضرشده و برای دور کردن نظر دیگران از این تناقض، این کار را موجب پیشرفت شغلی‌اش می‌دانست.

بسامد زیاد این تغییرات و کاربرد زیاد آن توسط نویسنده نشان از اهمیت این موضوع دارد. سیدمیران کاملاً دچار تغییر شده اما برای اینکه در موضع ضعف قرار نگیرد، برای هر کاری که انجام می‌دهد دلیلی آورده و آنجا توجیه می‌کند.

۲. "آیا او نباید به خاطر پیشرفت کار صنف و همچنین شخص خویش در نزد مقامات بالا و پایین دولتی خود را فردی شایسته و قابل ترقی نشان بدهد؟" (همان: ۴۱۷)

۳. "او حتی ابایی نداشت که رختخواب خود را جمع کند." (همان: ۴۳۱)

۴. "ریشش را می‌تراشد و بر موهایش رنگ می‌گذارد." (همان: ۴۶۰)

۵. "میران مجبور می‌شود هما را به سینما ببرد تا نیمه‌های شب تفریح کند و شب از نیمه گذشته به خانه بازگردد." (همان: ۴۸۲)

۴-۴-۳ واکنش‌های زن

درنهایت، با توجه به استراتژی‌ها به بررسی واکنش‌های هویت زن می‌پردازیم:

۴-۴-۳-۱ سطح استدلال: مقایسه و تغییر ایدئولوژی

در پایان، جدال بین هویت آهو با هویت هما در رمان، نماد جدال بین سنت و مدرنیته است. پیروزی هویت آهو نیز نماد پیروزی هویت آگاه و کارکرد مثبت آن در خانواده است، هویتی که کماکان سنتی است اما رگه‌هایی از آگاهی، استقلال و قدرت در آن بروز پیداکرده است؛ اما این جدال بین دو هویت منجر به تغییر در روابط بین اعضا خانواده

شد. پررنگ‌ترین نقش در خانواده سنتی نقش مرد در قالب پدر یا همسر بود که طی این انقلاب مدرن بیشترین تأثیرپذیری را داشت. مردی که بر نگرش، شناخت، احساس‌ها و اعمال دیگر اعضا خانواده تأثیر داشت، اکنون در تعریف جدید خانواده از قدرت یکسانی در زمینه‌های مختلف با زن برخوردار است. به‌ویژه اینکه در فرایند کسب درآمد خانواده و تصمیم‌گیری نیز نقش اصلی خود را ازدست‌داده است.

در این رمان نیز شاهد رفتار آهو هستیم که مطیع شوهر است و حاکمیت مرد بر خانواده را پذیرفته است. در نقطه مقابل هما را می‌بینیم که تحت تأثیر افکار مدرن و جدید اقتدار مرد در خانواده را نمی‌پذیرد و در مسیر استقلال‌طلبی و تحول‌خواهی قرار دارد. این نکته آشکار می‌کند که چقدر هویت زن قدرت تغییر دارد و می‌تواند بر جوامع کوچک و بزرگ اطراف خود تأثیر بگذارد. هویتی که هم آماده تأثیرگرفتن و آماده تأثیرگذاری است.

۶. "آهو اعتقاد داشت که مرد، خدای کوچک زن است." (همان: ۴۹۱)

۷. "هما به میران می‌گوید: خصلت باطن خود را نمی‌توانم پنهان کنم که تا چه اندازه از زمختی و زور بیزارم." (همان: ۱۵۱)

۸. "هما بر سر اصل مسئله حرف داشت که شوهرش حق ندارد جلویش را بگیرد و او از دستوراتش اطاعت نخواهد کرد." (همان: ۴۷۹)

۹. "میران از اینکه ببیند اقتدارش در خانه نادیده گرفته می‌شود، به هما اعتراض می‌کند: پس زمانه چه زمانه‌ای شده است که یک زن به مردش این‌طور جواب می‌دهد." (همان: ۴۱۸)

۱۰. "هما می‌گوید: اجازه را به کسی بده که از تو اطاعت کند." (همان: ۴۱۸)

۴-۴-۳-۲ سطح استدلال: استناد و ارجاع

هما از نقش‌های اصلی داستان است که پس از طلاق از همسر اول خود، با سیدمیران آشنا شده و با او ازدواج می‌کند. با خواندن داستان شاید مخاطب در مورد هویت فکر کند که هویتی دارد سرکش و بلهوس که می‌خواهد از حصار جامعه و سنت رها شود. در کل هویتی منفی از او در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد.

اما اگر عمیق‌تر به هویت و نقش هما توجه کنیم و هویت نشان داده‌شده از او را با حوادث و وقایع رمان پیوند بزنیم، متوجه می‌شویم که او گمراه شده است. همان‌طور که گفته شد حوادث رمان در عصر ورود مدرنیته و تجدد به جامعه ایرانی در حال وقوع است و پذیرش این سبک جدید از زندگی در تمام ابعاد اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و سیاسی نیاز به زیربنا و زیرساخت دارد؛ اما هویت هما همانند بسیاری دیگر از افراد جامعه، این سبک و تحول جدید را بسیار سطحی و در لایه رفتاری پذیرفته است. هویتی که از هما به تصویر کشیده شده نشان از سطحی بودن تأثیر

تجددخواهی در میان افراد جامعه است. به‌عبارت‌دیگر، هما نشان‌دهنده هویتی است که در مسیر غلط حرکت کرده و تربیت می‌شود. هما برخی مشخصات زن سنتی خانه‌دار، مانند تسلیم بودن در مقابل شوهر، پوشش و تفریحات را کنار گذاشته و هویتی جدید اما ناقص از زن در جامعه را نشان می‌دهد.

۱۱. "اصلاً چارقدش را بازکرده و کنار گذاشته بود." (همان: ۲۰۳)

۱۲. "با این عمل می‌خواست به او امیران بفهماند که در خانه طالب آزادی است." (همان: ۳۸۴)

۱۳. "دامن پیراهن او اندکی پایین‌تر از زیر زانو تا روی نرمه ساق‌ها می‌آمد. آن‌قدر تنگ بود که زانوهای او بالاجبار روی‌هم قرار می‌گرفت." (همان: ۵۰۲)

۱۴. "آن زمانی که زن‌ها با روبنده دم‌اسبی و چادر دولاغ بیرون می‌رفتند یا وقت حرف زدن با مردها پشت پرده می‌ایستادند و ریگ زیر زبان می‌گذاشتند، مرد و مردهاش هم باد کرد." (همان: ۵۰۴)

۱۵. "جعبه آرایش و آیینه در ساعاتی که شوهرش در خانه نبود، مونس دائمی‌اش شده بود." (همان: ۳۷۶)

۱۶. "هما به آهو پیشنهاد می‌دهد که از بچه‌ها بخواهد در خانه به‌جای کردی به زبان فارسی سخن بگویند و از سیدمیران می‌خواهد برای بچه‌هایش در صندوق پس‌انداز ملی حساب باز کند." (همان: ۲۰۸)

۵. تبیین مسئله

بررسی استراتژی‌های گفتمانی در سطوح مختلف و اصول مربع ایدئولوژیک ون‌دایک با توجه به چینش حوادث و اتفاقات رمان‌ها ما را به سمت دسته‌بندی سه‌گانه‌ای از این استراتژی‌ها راهنمایی می‌کند. دسته‌بندی اهمیت سه نکتهٔ مهم در شکل‌گیری هویت زن را برای خواننده آشکار می‌کند که شامل اهمیت رفتار اجتماعی، اهمیت رفتار تربیتی و همچنین اهمیت آگاه شدن و آگاهی دادن هستند. این دسته‌بندی این‌گونه است که دستهٔ اول شامل سطح معنا، سطح توصیف و سطح سبک به بازنمایی اهمیت و تأثیرات رفتار اجتماعی می‌پردازند. دستهٔ دوم شامل سطح توصیف با به‌کارگیری اشارات ضمنی به گذشته است که اهمیت رفتار تربیتی را بیان می‌کند و دستهٔ سوم شامل سطح استدلال و اصول مربع ایدئولوژیک ون‌دایک است که اهمیت آگاه شدن و آگاهی بخشی را نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی و تبیین هریک از این عوامل و سطوح در شکل‌گیری هویت زن می‌پردازیم.

در هر چهار رمان ارائه‌شده مشهود بود که ابتدا نویسندگان در سطوح توصیف، معنا و سبک، به توصیف و تصویرگری مشکلات زنان در خانواده و زندگی شخصی آنان پرداخته و آن‌ها را محدود به مسائل خانه نشان داده‌اند. همچنین استراتژی‌های مختلف بکار رفته در متن صرفاً در مورد یک زن در یک خانواده بود، یعنی هویت یک زن در

مقابل هویت نزدیک‌ترین دوست و همسایه‌اش در طبقهٔ اجتماعی یکسان متفاوت بوده و در دو خانواده دو رفتار مختلف در قبال هویت زن را شاهد بودیم. این شیوهٔ بازنمایی در تمام رمان‌ها گویای اهمیت رفتار اجتماعی نسبت به هویت زن است، چراکه تعریف مستقل و ثابتی نسبت به هویت زن در جامعه پذیرفته‌نشده و هویت زن در دل جوامع مردسالاری تعریف شده است. این دیدگاه‌های متفاوت تا حدی است که هویت زن حتی توان اثبات حداقلی خود را نداشته و محصور به رفتار دیگران می‌شود و هرگز از چارچوب فرضی که جامعه برای آن‌ها ترسیم کرده فراتر نمی‌روند.

درنهایت اینکه توجه به رفتار اجتماعی نسبت به هویت زن اهمیت فراوانی دارد. علاوه بر این رفتار اجتماعی کاملاً دوسویه است، یعنی هم رفتار و برخورد اجتماع نسبت به زن و هم رفتار متقابل زن نسبت به جامعه را شامل می‌شود. وجود تعریفی مستقل از هویت زن و پذیرفتن آن توسط جامعه، سبب شکوفایی و نقش‌آفرینی‌های بیشتر زن هم در خانواده و هم در جامعه می‌شود.

در تحلیل رمان‌ها در سطح توصیف با اشارهٔ ضمنی به گذشتهٔ زنان داستان و روایت داستان مادران آن‌ها، نویسندگان با استراتژی‌های مختلف نشان می‌دهند که زنان دنباله‌رو راه و روش مادران خود بودند و همانند آنان همسرداری و مادری می‌کردند. این نکته نشان می‌دهد که حتی مادران نیز برای تربیت فرزندان خود در جهت تغییر نگاه جامعه به هویت زن تلاشی نمی‌کردند. نگاه به هویت زنان با هر کیفیتی در جوامعی با دید مردسالاری، با همان کیفیت از دریچهٔ تربیت به فرزندان منتقل می‌شد. به‌عبارت‌دیگر، نظام مردسالاری خود محصول نظام مردسالاری بود که از کودکی در ذهن دختر و پسر شکل می‌گرفت و نه‌تنها قضاوت‌های اجتماعی و نگاه مردم، بلکه نگرش نویسندگان و خوانندگان آثار ادبی اعم از زن و مرد را نیز شکل می‌داد. این مطلب، نکته‌ای مهم در مورد هویت زن را بیان می‌کند که اهمیت توجه به علوم تربیتی است؛ زیرا جامعه‌ای نسبت به هویت زن بی‌توجه می‌ماند که فرزندانش بدون توجه به هویت زن تربیت شوند؛ به‌عبارت‌دیگر، جامعه‌ای مردسالار می‌ماند که فرزندان آن مردسالار تربیت شوند. پس توجه به علوم تربیتی با تربیت صحیح در جوامع همواره پررنگ بوده و تأثیرات متعدد کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد.

در انتهای رمان‌ها، نویسندگان با استراتژی استدلال تغییر هویت زنان را به تصویر می‌کشند. زن نسبت به هویت خود در جامعه، جایگاهی که دارد و نقشی که می‌تواند ایفا کند آگاهی کسب کرده و سعی در انتشار این آگاهی در میان دیگران دارد. درنهایت، این آگاهی منجر به اثبات هویت زنانهٔ و حضور فعال‌تر در جامعه می‌شود. هویت زن در ابتدا از خواسته‌های خود آگاه نبوده و مطیع نظرات دیگران بود تا اینکه در ادامه به هویت خود ایمان آورده و هویت مستقل و متفکر زن را شکل داد.

نتیجه‌گیری

از میان گونه‌های ادبی، قالب رمان بیشتر از شکل‌های دیگر هنری مورد استقبال زنان قرار گرفته است؛ چراکه رمان صرفاً برشی از زنـدگی نیست و نشان‌دهندهٔ بخـش گسترده‌تری از مسیر زندگی است. رمان‌ها، انعکـاس دیدگاه نویسندگان در جسـتجوی هویتی است کـه تصـویر آن را در رفتار جامعهٔ خود می‌بیند؛ بنابراین، رمان فرصتی است در اختیار زنان که بتوانند زندگی و هویـت خود را که سال‌ها کمرنگ و یا زیر سایه بوده آشکار کنند. این سرسختی ذاتی زن را نشان می‌دهد که به خاطر اثبات هویت خود برای رسیدن به آنچه حق اوست گام برمی‌دارد.

از طرفی، بررسی هویت افراد در داستان‌ها بر پایهٔ جنسیت، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نبود جنس زن و حذف ادبی او از عرصهٔ داستان، نشان از حذف واقعی او در عرصه جامعه دارد و همچنین جنسیت بخش عمده‌ای از مطالبی را که نویسنده با آن رودرروست، شامل می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توان هویت‌های موجود در رمان‌ها را بدون در نظر گرفتن مسئلهٔ جنسیت، تجزیه‌وتحلیل کرد؛ بنابراین با توجه به تغییرات و تحولات عمده‌ای که نقش زن در خانواده و جامعه داشته، کاملاً بدیهی و طبیعی است که تصویری متفاوت از هویت زن، خود را در آثار نویسندگان، جلوه‌گر کند. طی این مقاله، هویت‌های متفاوتی از زنان همچون دلواپسی زری در داستان «سووشون» سیمین دانشور برای حفظ حریم امن خانواده، نقش زن رنج‌کشیده و حق‌طلب در شخصیت آهو در داستان «شوهر آهو خانم» علی‌محمد افغانی، نقش زنی که خواسته‌های خود را فراموش کرده و خواسته‌های دیگران برایش اولویت دارد در شخصیت کلاریس رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» زویا پیرزاد و شخصیت جسور و مستقل نوشا که به دنبال آگاهی بخشی است در رمان «سال بلوا» عباس معروفی به تصویر کشیده شده و در پایان تمام این رمان‌ها، زنان با جسارت و آگاهی به دنبال اثبات هویتی مستقل و قدرتمند از خود هستند.

هویت‌های متنوع از زن در رمان‌ها به اهمیت رفتار و دیدگاه اجتماعی، اهمیت مراحل تربیتی فرزندان در خانواده‌ها و اهمیت آگاه شدن و آگاهی بخشی تأکید داشته است. همچنین اشاره به راه‌های متفاوتی برای اثبات هویت زنان در مسیر زندگی دارند که نویسندگان با کمک استراتژی‌های گفتمانی به تبیین این مسیرها پرداخته‌اند. استراتژی‌هایی که در سطوح معنا، توصیف و سبک به اهمیت رفتار اجتماعی و در سطح توصیف به اهمیت رفتار تربیتی و در سطح استدلال و مربع ایدئولوژیک ون‌دایک به اهمیت آگاه شدن و آگاهی بخشی می‌پردازند.

به‌جرئت می‌توان گفت که علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آگاهی بخشی تأثیر بسیار زیادی بر شکل‌گیری هویت زنان، نه‌تنها در ادبیات داستانی، بلکه در دل اجتماع دارد و تصویری دگرگون از هویت زن را می‌سازد. نویسندگان با

اشراف کامل به همهٔ نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و دیده نشدن‌ها، با جدیت در مسیر اثبات هویت زن تلاش می‌کنند و هنوز جای محققان و فعالان اجتماعی و تربیتی برای نشان دادن هویت زن در جامعه خالی است.

کتابنامه

افغانی، علی‌محمد. (۱۳۴۰). شوهر آهو خانم. انتشارات امیرکبیر.

باقری، نرگس؛ میرزائیان، پریوش. (۱۳۹۴). نگاهی به کاربرد نقد زن‌محور در پژوهش‌های ادبی. پژوهش‌های ادبی، ۴۸، ۳۴-۹.

پیرزاد، زویا. (۱۳۸۰). چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. انتشارات مرکز.

دانشور، سیمین. (۱۳۴۸). سووشون. انتشارات خوارزمی.

صفورایی پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). هویت. ماهنامه دیدار آشنا، ۲۷، ۳۷-۴۲.

فوکو، میشل. (۱۳۹۰). تئاتر فلسفه؛ ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، انتشارات نشر نی.

معروفی، عباس. (۱۳۸۲). سال بلوا. انتشارات ققنوس.

نجم عراقی، منیژه و همکاران. (۱۳۸۲). منبع شناسی زنان، انتشارات دیگر.

Calvo, A. J., Gonzalez, R., Martorell, M. C. (2001). Variables related to prosocial behavior in childhood and adolescence: Personality, self-concept and gender. *Journal for the study of education and development, 24*, 95-111.

Ellis, A. (2008). Personality theories: Critical perspectives. SAGE publication.

Engler, B. (2013). *Personality Theories*. Cengage learning.

Ewen, R.B. (2003). *An introduction to theories of personality*. Lawrence erlbaum associates.

Funderburke, S. (2012). *Muted group theory in great gatsby*. School of communication.

Mc Naughtan, E. (2012). *Muted motherhood: a standpoint analysis of stay-at-home mothers* [Unpublished doctoral dissertation]. Department of Master of Art, Utah university.

Rahimi, F., & Raeesi, J. (2011). Critical discourse analysis: Scrutinizing ideologically-driven discourses. *International Journal of Humanities and Social Science*, 16, 107-112.

Rychlak, J.F. (1981). Introduction to personality and psychotherapy: A theory-construction Approach. Houghton Mifflin.

Simpson, P. (1993). Language, ideology and point of view. London: Routled.

Van Dijk, T. A. (1998). *Social cognition and discourse*. H.Giles & R.P.Robinson.

Van Dijk, T. A. (2001). Multidisciplinary CDA: A plea for diversity in methods of Critical Discourse Analysis. Sage Publications.

Van Dijk, T. A. (2003). Ideology and discourse, multidisciplinary introduction. Ariel.

Van Dijk, T. A. (2006). Ideology and discourse analysis. *Journal of Political Ideology, 11*, 115-140.

Van Dijk, T. A. (2008). *Discourse and Context, A Sociocognitive Approach*. Cambridge university press.